

سلام المؤمنین  
نورفاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال  
www.noorfatemah.org



بررسی مفهوم امنیت

از دید قرآن

و امیر المؤمنین علیه السلام



# بررسی مفهوم امنیت از دید قرآن و امیرالمؤمنین علیه السلام

نویسنده:

محمد هادی موذن جامی

ناشر چاپی:

محمد هادی موذن جامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	بررسی مفهوم امنیت از دید قرآن و امیرالمؤمنین علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	امنیت و مولفه های آن
۷	معناشناسی امنیت
۷	بستر واژگانی
۷	بستر مفهومی و اصطلاحی
۸	تبارشناسی امنیت
۱۰	ویژگی های امنیت اصیل و مطلوب
۱۰	امنیت، جامع است
۱۰	امنیت، تجزیه ناپذیر است
۱۰	امنیت، ذاتی است
۱۱	امنیت محدود به عدالت است
۱۱	ضریب همبستگی امنیت
۱۱	امنیت پدیده ای ادراکی و احساسی است
۱۱	بررسی مفهوم امنیت از نگاه قرآن و امیرالمؤمنین (ع)

## بررسی مفهوم امنیت از دید قرآن و امیرالمؤمنین علیه السلام

### مشخصات کتاب

نویسنده: محمدهادی موذن جامی ناشر: محمدهادی موذن جامی زبان اصلی: فارسی

### امنیت و مولفه های آن

بحث امنیت ربطی وثیق با مفهوم و ماهیت حکومت دارد، در علم سیاست، مقصود از حکومت آن است که چه اموری باید انجام گیرد و در اینجا است که مفهوم امنیت مشخص می شود. از دیدگاه اسلام، حکومت باید سعی کند تا تمام مقدماتی را که برای نیل به سعادت لازم است، تامین نماید. بر اساس قاعده ی لا ضرر، در نظام حکومتی اسلام، نمی توان ضرر را پذیرفت، چه ضرر مربوط به عمل فرد با فرد باشد، چه فرد با حکومت، عمل حکومت با فرد و یا عمل حکومت با حکومت. (۱) بنابراین، مهم ترین بحث ها حول محورهای امنیت جانی، امنیت مالی و امنیت حیثیتی (موارد ناموسی، آبرو و... همه ی (صفحه ۲) امور که به نوعی به حیثیت فردی- اجتماعی مربوط می گردد) خواهد بود. (۲) توجه همزمان به این سه رکن، مهم است. در ادبیات علوم سیاسی، امنیت داخلی، امنیت خارجی، امنیت ملی، امنیت بین المللی و امنیت جهانی مورد توجه و به هم پیوسته است. (۳) از طرف دیگر، امنیت ذهنی و عینی هم مهم است (بخش مهم امنیت پنهان که نسبت به سایر اشکال امنیت، چون روح است نسبت به جسد، هنوز مغفول عنه است، به تعبیر دیگر، امنیت چون یقین مراتب چهارگانه ای دارد: حس الامن، عین الامن، حق الامن و روح الامن. توضیح اینکه در مورد یقین مراتب سه گانه ی علم یقین و عین یقین و حق یقین مشهورند، ولی امام (ع) روح یقین- حکمت ۱۴۷- را نیز افزوده اند که روح آن سه مرتبه است و در نوشته های اهل فن مغفول عنه است). معمولا امنیت را در قالب تهدید نکردن تعریف کرده اند که امری عینی است. اما باید اضافه کرد امنیت وقتی وجود دارد که احساس کنیم تهدیدی در کار نیست. (۴) گاهی شاید لازم باشد برای اینکه احساس امنیت بالا- رود، احساس ناامنی نیز به نوعی افزایش یابد. یعنی هر چه ما بیشتر احساس ناامنی کنیم، در جهت به کار بردن روش های امنیتی بیش تر کوشا خواهیم بود. امنیت حقیقی و ایمان- احساس امنیت از طریق توجه به خدا- نیز امری بسیار مهم است. طبق ماده سوم اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد و بر اساس ماده ی ۲۲ آن، هر شخصی به عنوان عضو جامعه، حق امنیت اجتماعی دارد. به هر حال جایگاه امنیت در سلسله ی مراتب نیازها و انگیزه های آدمیان، جایگاه خطیری است. مزلو (Maslow) در سال ۱۹۴۳ در نظریه ی انگیزش خود، پس از نیازهای فیزیولوژیک مانند گرسنگی، تشنگی و غیره بلافاصله نیاز ایمنی و امنیت را ذکر کرده (صفحه ۳) است. (۵). به نظر مزلو، تامین و ارضای سالم این نیازها و نیازهای بعدی یعنی نیازهای اجتماعی و احترامی (ارج و منزلت و اعتبار) زمینه را برای سر بر آوردن نیازهای متعالی تر و خود شکوفایی انسان فراهم می کند. تردیدی نیست که این نیاز پایه ای، در پرتو دین به بهترین شیوه ی ممکن بر آورده می شود و هموستاز یا تعادل حیاتی بشر از این راه درست و دقیق برقرار خواهد شد، چرا که ایمان، نوعی سازگاری روحی، روانی و ذهنی با کلیت هستی و ارتباط معنوی با آن است. (۶) البته ایمانی بر پایه ی اعتقادات درست. چه بسا که گاه احساس و ایمان کاذب، آدمی را در چنبره ی خشم و کین خدایان و ارواح و دلهره ی مدام به نابودی کشانده است و قطعا دینی که از سوی رب العالمین توسط رحمة للعالمین ارائه می شود، رعب انگیز و تشویش افزا نیست. صفحه ۲، ۳. معناشناسی امنیت بستر واژگانی بستر مفهومی و اصطلاحی تبارشناسی امنیت و ویژگی های امنیت اصیل و مطلوب امنیت، جامع است امنیت، تجزیه ناپذیر است امنیت، ذاتی است امنیت محدود به عدالت است ضریب همبستگی امنیت پدیده ای ادراکی و احساسی است \*\*\*\* (۱) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش و توسعه و امنیت عمومی (۷- ۵ اسفند ماه ۱۳۷۵)، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۱، ص ص

۳۵-۳۴). ۲) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش و توسعه و امنیت عمومی (۷-۵ اسفند ماه ۱۳۷۵)، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۷. ۳) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش و توسعه و امنیت عمومی (۷-۵ اسفند ماه ۱۳۷۵)، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۹. ۴) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش و توسعه و امنیت عمومی (۷-۵ اسفند ماه ۱۳۷۵)، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۰. ۵) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش و توسعه و امنیت عمومی (۷-۵ اسفند ماه ۱۳۷۵)، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۷۵. ۶) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش و توسعه و امنیت عمومی (۷-۵ اسفند ماه ۱۳۷۵)، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۷۶.

## معناشناسی امنیت

بستر واژگانی بستر مفهومی و اصطلاحی تبارشناسی امنیت

### بستر واژگانی

معنی امن در اصل بنا به قول راغب در مفردات، آرامش خاطر و آسایش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است. واژه های امن و امان مصدرند، پس در بستر واژگانی، امنیت در خود حامل معانی اطمینان، عدم خوف و در امان بودن و نهراسیدن است، یعنی از احساس امنیت (حالات و موقعیت های ذهنی) تا ایمنی و اطمینان خارجی (موقعیت های عینی و بیرونی) در این واژه نهفته است. بدیهی است امنیت ذهنی و عینی از بعد فردی به امنیت اجتماعی وابسته است.

### بستر مفهومی و اصطلاحی

امنیت به طور کلی، مفهومی غیر توسعه یافته، دو پهلو، مبهم، نا رسانا و از نظر ماهیتی (صفحه ۴) جدال بر انگیز واز نظر کاراکتر متباین و پارادوکسیکال است. (۱). به اصطلاح زبان شناسان، دال (Signifier) امنیت به مدلولی خاص و ثابت منتهی نمی گردد، یعنی هیچ رابطه ذاتی، ماهوی و شدیدی بین دال و مدلول امنیتی وجود ندارد. بلکه مفهوم امنیت مصادیق خود را از درون گفتمان های گوناگون (Discourse) می جوید. گفتمان ها، خود برآمده از هویت های زبانی هستند و در واقع از آنچه ویتگنشتاین آنها را بازی های زبانی می خواند، متمایز می گردند. لذا گفتمان نیز به صورت مستمر مشمول عدم ثبات و سیالیست شکلی- ماهوی خواهد شد. (۲). علل و عوامل دیگری که موجب پیچیدگی و ابهام مفهوم امنیت می باشد، به قرار زیر است: ۱. نارسایی، بافت وابسته و جدال بر انگیز ماهوی سایر مفاهیم وابسته به امنیت، نظیر: قدرت، تهدیدها، منافع، اهداف، مصالح و...، ۲. عدم پایداری مرز هویتی در تعریف خودی- دیگری (Same/Other) امنیت. بدیهی است در طول تاریخ، مرز بندی مشخصی بین دوست و دشمن یافت نمی شود. چه بسا دشمنانی ک در جرگه دوستان درآمده اند و دوستانی که جامه ی دیگری یا دشمن بر تن کرده اند. برای همین، مرزهای هویتی حریم و بستر امنیتی ماهیتی متلون دارد، ۳. ذهنی با سوژکتیو بودن امنیت: امنیت به طور کلی، مقوله ای ذهنی است. مثلاً ذهنی بودن امنیت برای یک کشور ناشی از چهار امر است: نخست، میزان اعتباری (Credibility) که تصمیم گیرندگان یک کشور برای نیروهای تهدید کننده قایل می شوند. دوم، میزان ارتباطی (Communication) که آنان می توانند با عوامل تهدید زا برقرار کنند. سوم، میزان توانایی (Ability) یا مقدرات و محدودیت خودی در مقابله با غیر خودی (تهدید/ دیگری). چهارم، میزان و درجه ی اعتبار، فوریت، اولویت و مرکزیت ارزش ها و منافع مورد تهدید. (صفحه ۵) البته در پس این رویکرد ذهنی امنیت، چهره ی واقعی و عینی خاصی نهفته است که ریشه در عناصر و عواملی نظیر درجه و میزان دشمنی یک ملت

نسبت به ملت دیگر، درجه و میزان اعتبار وعدم اعتماد بین دو ملت، کمیت و کیفیت تسلیحاتی و سایر مولفه های قدرت دیگری (غیر خودی) دارد، ۴. ماهیت متغیر محیط امنیتی هر جامعه ای، تابع و برآیندی است از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، فراماسون های اجتماعی، فعالیت های سیاسی، وضعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، مولفه های قدرت، ایدئولوژی، فن آوری، مسابقه ی تسلیحاتی و...). گفتمان های امنیتی در متن هر جامعه، کاملاً متأثر از درون دادهای (Input) تحمیل شده از محیط داخلی و خارجی به سیستم است. لذا امنیت، پدیده ای عصری است که با بروز و ظهور متغیرهای بی بدیل و پیچیده تر شدن عناصر متشکله و مشخصه ی هر زمانه، باز تعریف می شود، ۵. نامشخص و فراخ بودن عرصه، قلمرو و حریم امنیتی: سیاستمداران، امنیت را به مثابه ی یک محرک و استراتژیست های نظامی آن را در جهت تبیین اهداف نظامی و دانشمندان علم الاجتماع به عنوان مفهومی که به توانایی یک ملت در حمایت از ارزشهای داخلی در مقابل تهدیدهای خارجی اشاره می کند، در نظر می گیرند، ۶. نسبی بودن امنیت: امنیت از لحاظ ماهیتی مفهومی نسبی (Relative) است، لذا نمی توان یک تعریف مطلق از آن ارائه کرد. هر نوع تحلیلی از امنیت لزوماً برون گراست و رابطه ای مستقیم با تشخیص و ارزیابی از تهدیدهای بیرونی دارد. در عین حال این تحلیل ناظر بر درون نیز هست، زیرا تهدیدهای بیرونی همواره از بستر آسیب پذیری های درونی ریشه می گیرند. لذا طراحی هر گونه سامانه ی امن، مستلزم شناخت ظرفیت های بالقوه و بالفعل تهدیدهای داخلی - خارجی و همزمان نیازمند سنجش ابعاد، ضعف ها، قوتها، محدودیت ه و مقدرات «خودی» است. (۳). (صفحه ۶) \*\*\*\*

(۱) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش و توسعه و امنیت عمومی (۷ - ۵ اسفند ماه ۱۳۷۵)، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۸. (۲) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش و توسعه و امنیت عمومی (۷ - ۵ اسفند ماه ۱۳۷۵)، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۸. (۳) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش و توسعه و امنیت عمومی (۷ - ۵ اسفند ماه ۱۳۷۵)، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۳ و ۴۹.

## تبارشناسی امنیت

مقوله ی «امنیت» قدمتی به وسعت تاریخ بشر دارد. از نظر تبارشناسی (Genealogy) مفهوم امنیت دارای قدمتی طولانی تر از مفهوم «اجتماع» و «جامعه» است، اما نخستین مباحث فلسفی و سیاسی را در آثار افلاطون و ارسطو می توان یافت. ارسطو به تقریب و افلاطون به تاکید، «عدالت» را به عنوان بنیادی ترین وسیله و ابزار حکومتی جهت نیل به امنیت معرفی کرده اند. (۱) به عبارت دیگر، از دید این دو، امنیت از اهداف حکومت است و علت وجودی یک حکومت، برقراری امنیت است. (۲) چند قرن بعد، نظریه پردازان عصر روشنگری، از جمله هابز، لاک، روسو و منتسکیو، منزلتی رفیع تر برای امنیت قابل شدند. هابز «شرایط طبیعی» را شرایط ناامنی و «شرایط اجتماعی» را شرایط امنیت بر می شمارد. جان لاک با رویکردی فرا گیر تر می گوید: مقصود از صلح و امنیت تنها آن نیست که زنده بمانیم بلکه منظور دستیابی به رفاه، آسایش و ایجاد تسهیلات مشخص است که حق طبیعی ماست. (۳) منتسکیو عقیده دارد: چون امنیت نتیجه ی صلح و اولین قانون طبیعت است، لذا بزرگ ترین اصول در حکومت، ایجاد امنیت است و مقصود از امنیت تنها حفظ حیات نیست، بلکه تامین آزادی است. (۴) روسو با توجه به نقش تعیین کننده اعتماد (TsurT) (به مقوله ی امنیت می نگرند. (۵). مفهوم امنیت به تدریج و با توسعه ی بیش تری تحول یافته و دارای ابعاد تازه ای شده است. به گونه ای که امروزه امنیت را در توسعه و نه اسلحه، سراغ می گیرند، یعنی به جای تاکید انحصاری بر امنیت داخلی، به تاکید بیش تر بر امنیت مردم، و به جای امنیت نظامی، به امنیت در ادامه ی توسعه ی انسانی باید پرداخت. (۶) اما به هر حال دو جزء مهم امنیت، رهایی از نیاز و رهایی از ترس است. چیزی که دقیقاً آیه الذی اطعمهم من جوع و آمنهم (صفحه ۷) من خوف: (قریش: ۴) بر آن تکیه دارد و گزارش محرمانه ی سال ۱۹۴۵ سازمان ملل و کنفرانس سانفرانسیسکو موید آن است. توسعه را به معنای «ارتقای مستمر کل جامعه



و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی تر» دانسته اند. (۷) طرح مفاهیم «بهتر» و «انسانی تر»، گرچه مساله تعریف توسعه را پیچیده تر ساخته، اما در قالب سه محور اصلی: معاش زندگی، اعتماد به نفس و آزادی جلوه گر است. (۸) اما در رابعاد امروزی، توسعه و امنیت به تنهایی نمی توانند الزامات توفیق جوامع را در برداشته باشند، بلکه جامعه ای را موفق می دانند که در مقوله ی توسعه، از فرآیند و وضعیت توسعه ی پایدار و در مقوله ی امنیت از فرآیند و وضعیت امنیت پایدار برخوردار باشد. (۹) به هر حال، فراهم آمدن امنیت عمومی، تدارک کننده ی یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه یافتگی است و از سوی دیگر، توسعه و حرکت به سوی آن، به تقویت مبانی امنیت عمومی در جامعه می انجامد. علاوه بر این، هر گونه اقدامی که در جهت تامین امنیت صورت پذیرد، خود می تواند در میان اقشار جامعه، آرامش و اعتماد به نفس ایجاد کند. با توجه به سه محور اصلی یاد شده در توسعه، حس اعتماد به سان حلقه ی اتصالی از ارتباطات میان توسعه و امنیت عمومی است. توسعه یافتگی، بر اعتماد نفس جوامع می افزاید و افزایش اعتماد به نفس، موجب حرکت توسعه در جامعه است. آزادی نیز یک وجهه ی مهم از توسعه است و همزمان ضامن امنیت و در عین حال، امنیت نیز ضامن آزادی است. (۱۰) با توجه به این موارد، توسعه و امنیت، لازم و ملزوم یکدیگرند و جالب تر آنکه آزادی و امنیت نیز چنین اند، هر چند که باور عمومی بر خلاف آن باشد. توضیحات پیش گفته نشان داد که نهایت مفهوم امنیت «بقاء» است که خود شامل طیفی اساسی از ملاحظات محیطی و موقعیت محلی و علت وجودی آنها می گردد و (صفحه ۸) حداقل با پنج سطح از امنیت (امنیت سیاسی شامل ثبات و مشروعیت حکومت ها، امنیت اقتصادی شامل منابع در دسترس، منابع مالی و بازارها، امنیت اجتماعی به معنی توانایی انجمن ها و سازمانها در شکل دهی زبان و فرهنگ و رفتارهای ملی و امنیت زیست محیطی به معنی شناخت اکولوژی و روابط بین انسان و محیط بر سطح سیاره ی خاکی، امنیت نظامی که به اثرات متقابل توانایی های تهاجمی و دفاعی مسلحانه ی دولت ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است) سر و کار خواهیم داشت. (۱۱). اگر مشروعیت و کارآمدی را دو شرط اصلی بقای هر دولتی بدانیم، مساله مشروعیت به ارزش ها مشترک میان دولت و ملت بر می گردد: مشروعیت به عبارتی به این معنا پیش شرط اساسی امنیت ملی در دنیای معاصر است. مشروعیت به عبارتی به معنای وجود رضایت و توافق گسترده، جهت برخورداری نظام های سیاسی در حق اعمال قدرت است (۱۲) اما باید توجه داشت که مشروعیت (Legitimacy)، وضعیت ثابتی که مبین صفتی در حکومت یا هر قرارداد دیگر است با مشروعیت یابی (Legitimation)، فرایندی که طی آن حکومت ها به بسط و گسترش پایه ی اجتماعی خود و همچنین درجه ی رضایت مردم می پردازند، (۱۳) فرق دارد. (۱۴). اشکال دیگر امنیت، مانند امنیت ملی، امنیت داخلی، امنیت خارجی و امنیت پنهان- به عنوان مولفه های امنیت ملی- نیز مطرح است که برای توضیح آنها مجال نیست. \* \* \* \* \* (۱) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵) اسفند ماه ۱۳۷۵، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۲. (۲) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵) اسفند ماه ۱۳۷۵، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۲۹. (۳) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵) اسفند ماه ۱۳۷۵، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۴-۵۲. (۴) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵) اسفند ماه ۱۳۷۵، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۷۴. (۵) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵) اسفند ماه ۱۳۷۵، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۵. (۶) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵) اسفند ماه ۱۳۷۵، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۷۵. (۷) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵) اسفند ماه ۱۳۷۵، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۷۵. (۸) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵) اسفند ماه ۱۳۷۵، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۷۶. (۹) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵) اسفند ماه ۱۳۷۵، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان

۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۷۸. (۱۰) مجموعه ی مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵ اسفند ماه ۱۳۷۵)، چاپ ساعس ناجا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۸۱. (۱۱) مردم، دولتها و هراس، انتشارات پژوهشکده ی مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۴. (۱۲) مجموعه ی مقالات...، ج ۲، ص ۲۹. (۱۳) امام (ع) به مالک می نویسد: «و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق و اعمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیه». (۱۴) مجموعه ی مقالات...، ج ۱، ص ۳۲۱.

### ویژگی های امنیت اصیل و مطلوب

ملخص کلام آنکه، بر اساس آنچه یاد شد و در بخش آتی خواهد آمد، ویژگی های امنیت- در نگاه اندیش وران و به استناد قرآن و نهج البلاغه- به شرح زیر است: (صفحه ۹) صفحه ۹. امنیت، جامع است امنیت، تجزیه ناپذیر است امنیت، ذاتی است امنیت محدود به عدالت است ضریب همبستگی امنیت پدیده ای ادراکی و احساسی است

### امنیت، جامع است

یعنی هر حوزه ای را که برای اداره ی امور جامعه ضروری است، در بر می گیرد. چرا؟ چون امنیت فی الواقع عبارت است از حالتی که فرد یا جامعه از تهدید و خطر مصون باشد و ناامنی، حالتی است تهدید آمیز که در معرض خطر بودن را القا می کند و خطر یا همان عاملی که وجودش سلب کننده ی امنیت است، هر عامل یا وضعی را در بر می گیرد که مخل بر وجود و کمالات آن باشد (چه نابود کننده و چه کاهنده) و نیازها، کمبودها، نقصان ها و اختلال ها را افزایش دهد و یا از اساس ایجاد کند. (۱) البته عوامل متعددی چون زمان، ایدئولوژی، اوضاع و احوال بین المللی، موقعیت کشور و دیدگاه رهبران، در میزان امنیت و نحوه ی آسیب یا حفظ آن موثر است، (۲). \*\*\*\*\*(۱) مجموعه ی مقالات...، ج ۱، ص ۱۳۱. (۲) مجموعه ی مقالات...، ج ۱، ص ۲۵۴.

### امنیت، تجزیه ناپذیر است

یعنی فقدان امنیت در هر بعد از ابعاد متصوره ی آن، به کل امنیت صدمه می زند. باید دانست که مفهوم خودی- دیگری (غیر خودی) مهم ترین پایه در بار معنایی امنیت است. در سطح کلان امنیت ملی این امر بسیار حایز اهمیت و حیاتی است. خودی، کسی است که به اهداف ثابت امنیت ملی (شامل پنج مقوله ی تمامیت ارضی، رفاه و آسایش و تامین اجتماعی، حیثیت بین المللی، حفظ و افزایش قدرت فیزیکی و استقلال و خود کفایی) معتقد است. دیگری، خود دو قسم است دیگری درونی که در استراتژی امنیت داخلی اثر می گذارد، دیگری بیرونی که به استراتژی امنیت ملی مربوط است. حفظ نظام که تعبیر دیگری از امنیت ملی است، همبستگی و همسویی کامل با مشروعیت نظام دارد. (۱) نقش ولایت و امامت در نظریه ی اسلام، به ویژه در اینجا برای پیوند بین اعضا و گروه خودی ها، نقشی بارز است و تعبیر نظام اللامه یعنی همین. مقام معظم رهبری نقل می کنند که در سال ۱۳۶۵ به دنبال وقوع حادثه ی قلبی جدی برای امام (ره)، در دیداری مهم که کلمات نورانی امام در آن، عصاره ی همه ی پند هایشان بود، به (صفحه ۱۰) قوی باشید، احساس ضعف نکنید، به خدا متکی باشید. اشداء علی الکفار و رحماء بینهم باشید و اگر با هم بودید هیچ کس نمی تواند به شما آسیبی بزند. (۲). آیا مفهوم امنیت را از این زیباتر و جامع تر، می توان مجسم نمود و بر تامین ملزومات آن تاکید کرد؟ صفحه ۱۰. \*\*\*\*\*(۱) مجموعه ی مقالات...، ج ۱، ص ۳۰۲-۲۹۲. (۲) حدیث ولایت، ج ۱، ص ۱۳۹.

### امنیت، ذاتی است

ذاتی، هم به معنای عدم نیاز به علت و دلیل و هم به معنای ضروری و نیاز اولیه غیر قابل رفع و ویژگی نا گریز و غیر قابل گریز، لذا

امنیت یعنی مصونیت و نیاز به مصونیت و عامل مصونیت و پیش نیاز مصونیت.

### امنیت محدود به عدالت است

که مقدم بر همه ی امور است. در اسلام این محدوده شامل احکام الهی، رعایت حق و قسط و مسئولیت متقابل حاکم و ملت و انصاف و شفقت بر خلق و مانند اینهاست، روایتی که می فرماید: ثلاثة اشياء يحتاج الناس طرا اليها: الامن والعدل والخصب. (۱) (سه چیز است که همه ی مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی)، موبد این سخن است. امنیت، نیازمند توسعه و آزادی و فراوانی است. نبود عدالت و آزادی و توسعه ی انسانی مایه ی نابودی امنیت است و بر عکس و بلکه عدالت مهمتر از همه (نک روایات آتی)، \*\*\*\*\*(۱) تحف العقول، ص ۳۳۴.

### ضریب همبستگی امنیت

با سایر شوون حیات اجتماعی و فردی انسان، تابع سطوح امنیت است نه بالعکس. تقدم امنیت به عنوان يك نعمت مجهول القدر بر سایر نعمت ها، امری غیر قابل تردید است. درست مانند غلظت و رقت اکسیژن هوا که مقدم بر سایر امور اثر گذار بر حیات است و نه برعکس، به تعبیری دیگر، نسبت امنیت به سایر شوون مانند نسبت روح به جسد است. به هر حال، باید توجه داشت که امنیت در گذشته، بیش تر به معنای ایجاد مصونیت در یک کشور در برابر تهاجمات خارجی یا بیگانه و همچنین مصونیت در مقابل تنش ها، بی نظمی ها و جنگ های داخلی به کار می رفت، اما (صفحه ۱۱) در دنیای معاصر، مفهوم امنیت بسیار وسیع گشته است. به طوری که مفهوم آن در ابعاد شغلی، درآمد و مالی، سلامت، بهداشت و درمان و سایر بخش های مختلف، مورد بررسی است. (۱) امروزه امنیت یکی از پیش فرض های توسعه است و از تبلیغات، رسانه و افکار عمومی جامعه تا بخش ها و قدرت های مختلف سیاسی را در بر می گیرد، (۲). صفحه ۱۱. \*\*\*\*\*(۱) مجموعه مقالات، ج ۱، ص ۴۵. (۲) مجموعه مقالات، ج ۱، ص ۴۸.

### امنیت پدیده ای ادراکی و احساسی است

[۱]. در شناخت آن باید به ناامنی توجه کرد. ادراک (Perception) عمدتاً خصلت نظری و انتزاعی و ذهنی دارد. این جنبه از ادراک را «درک مفهومی» می نامند. جنبه ی حسی و عینی تر ادراک، همان احساس است. در افراد مختلف به طور طبیعی احساس ها متنوع است و به لحاظ اینکه در انواع روابط اجتماعی تا چه اندازه منتفع یا متضرر می شوند، این احساس طیفی از احساس ناامنی شدید (متضرر ترین افراد) تا احساس امنیت زیاد (منتفع ترین افراد) را تشکیل می دهد. مهم ترین وضعیت های اجتماعی که افراد بطور نسبتاً پایدار در آن قرار دارند و به تعامل می پردازند، عبارتند از: محیط خانوادگی، محیط کار و محیط اجتماعی. البته در محیط اجتماعی عرصه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... نیز از یکدیگر قابل انتزاعند، ولی در عالم واقع به طور کلی احساس افراد را در مجموع و فی الجمله در اصطلاح روح جمعی شکل می دهند. (۲) احساس امنیت به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم در شوون اجتماعی اثر می گذارد. \*\*\*\*\*(۱) مجموعه مقالات، ج ۲، ص ۴۷۷. (۲) مجموعه مقالات، ج ۱، ص ۱۱۱.

### بررسی مفهوم امنیت از نگاه قرآن و امیرالمؤمنین (ع)

تا اینجا کوشیدیم تا نشان دهیم که امنیت از اساسی ترین نیازهای آدمی است و شاید همراه با آزادی، عدالت، معنویت، رفاه عمومی و کرامت و عزت شخصی از عمده ترین ارزش های حیات معقول انسانی به حساب آید. ذات این امنیت مصونیت حقوق هر فرد از (صفحه ۱۲) هر نوع تعرض در سطح فردی و ارتقای آن در سایر سطوح، از خانواده تا جامعه، است (ریاست محترم جمهوری در [www.noorfatemah.org](http://www.noorfatemah.org)

دیدار روز هشتم خرداد ۱۳۷۸ مسئولان وزارت اطلاعات با ایشان امنیت را نگاهبانی و حفظ جامعه در برابر آفت ها و آسیب ها و جلوگیری از تبدیل آفت ها و آسیب ها به تهدیدها و نیز مقابله با تهدیدهای موجود جامعه، دانستند که نتیجه تعریف پیش گفته است). در راس هرم امنیت بشری، از دیدگاه قرآن، ذات مقدس خداوند مومن (حشر: ۲۳) قرار دارد. مومن به فرموده ی علامه طباطبایی (۱) کسی است که به تو امنیت بدهد و تو را در امان خود حفظ نماید. این تعبیر با اسم مذکور در دعای جوشن کبیر ذال الامن و الامان مطابقت دارد. اگر از ایمنی بخشی ذات الهی به عنوان سرچشمه همه امنیت ها یاد کنیم، کلید حل بسیاری از مشکلات را یافته ایم. در نگاه قرآن ناطق هم امنیت یک نعمت بزرگ و مجهول القدر است. از امام (ع) در غرر الحکم (ج ۴، ص ۱۰۰) نقل شده است: رفاهیه العیش فی الامن (خوشی و آسایش زندگی در امنیت است). اگر این سخن را با روایات دیگر چون: لا نعمه انما من الامن (نعمتی گواراتر از امنیت نیست، همان ج ۶، ص ۴۳۵) و نعمتان مجهولتان الصحه و الامان (دو نعمت ناشناخته اند سلامتی و امنیت) جمع کنیم، نعمت امنیت را مقدم بر بسیاری از امور خواهیم یافت. به طور کلی در نگاه مولای متقیان (ع)، امنیت، یک واژه ی کلیدی است. گستره ی آن از خیال تا واقعیت و از دنیا تا آخرت و از امور مادی تا معنوی و از حوزه ی عینیات تا ذهنیات و حوزه ی حیات فردی تا حیات جمعی و از زمانی مشخص تا فرادهای دور، و از یک نسل تا امنیت بین النسلی و فرا زمانی و فرا مکانی را در بر می گیرد. امام (ع) که حضور کسانی را در لشکرش اعلام می کند که هنوز به دنیا نیامده و در صلب پدران و زهدان مادرانند (خطبه ی ۱۲: و لقد شهدنا فی عسکرنا هذا اقوام فی اصلاب الرجال و ارحام (صفحه ۱۳ النساء)، تاملین امنیت شیعیان خویش را در قرن ها پس از زمان حکومتش مدنظر داشته و به جفر ایض عمل کرده است. چرا که می دانست پس از او، بر شیعه ی او غالب خواهند شد. (۲) این سبک نگاه به تاملین امنیت، حقیقت امنیت علوی را نمایان می کند. در نگاه امام (ع)، دنیا خانه ای است پوشیده به بلا- و شناخته شده به بی وفایی و دغا... و امنیت (حقیقی) از آن سراغ نیست (خطبه ی ۲۲۶: و الامان منها معدوم). و از اندوه آن کسی ایمن نیست (خطبه ی ۱۱۱: و لا- تومن فجعتها) و رفاه زدگان ایمن را به درد و اندوه دچار می سازد (خطبه ی ۱۰۳: و تفجع المترف الامن). کسی شامگاهان در آغوش امنیتش به سر نبرد مگر آنکه صبحگاهان بالهای بیم و ترس بر سرش کوبد (خطبه ی ۱۱۱: و لا یمسی منها فی جناح امن، الا اصبح علی قوادم خوف!). آرامش و ایمنی و امنیت بیش تر را با بهره ی کمتر از آن می توان یافت و آن که از دنیا نصیب بیش تر گیرد، از آنچه مایه ی هلاک و نابودی او است بیش تر گرفته (همان: من اقل منها استکثر مما یومنه! و من استکثر منها استکثر مما یوبقه)، چرا که باید از نعمت خدا هم ترسان بود و گشایش در روزی را اگر استدراج ندانیم، به احساس امنیت واهی از حقیقتی مخوف و ترسناک دچار گشته ایم (حکمت ۳۵۸: من وسع علیه فی ذات یده فلم یر ذلک استدراجا فقد امن مخوفا). همین طور اگر تنگدستی را مایه ی اختار و آزمایش ندانیم، از پاداش آن- که بنا به آنچه گذشت امنیت در آن است- محروم خواهیم شد و بدتر آنکه کسی از ترس فقر بازماندگانش، به دنیا مشغول و از فقر اخروی خویش ایمن شود و امنیت حقیقی خویش را به خطر اندازد و عمرش را در منفعت دیگران از دست دهد (حکمت ۲۶۹). در نگاه مولای ما، اسباب امنیت حقیقی، رضای خدا (خطبه ی ۱۶۰: و رضاه امان) و همسایگی و دوستی با او است (خطبه ی ۱۴۷: فان جار الله آمن و عدوه خائف، همسایه ی خدا در امان و دشمنش ترسان است) و تقوا، امنیت دل های بیم ناک است (خطبه ی ۱۹۸: (صفحه ۱۴) و امن فزع جاشکم). و متقی کسی است که بیم و ترس از خدا را برای امنیت حقیقی- که در آخرت دست خواهد داد- پیش فرستاده است (خطبه ی ۸۳: و قدم الخوف لامانه... و آمن یومه). برای همین هم امام (ع) می فرماید: کسی که بترسد ایمن است (حکمت ۲۰۸: من خاف امن). در خطبه ی قاصعه (۱۹۲) که امام (ع) نکات فراوانی را به ما هدیه فرموده اند، با ذکر احوال مومنان پیش از ما، نتیجه ی امتحان های مکررشان که با صبر و تحمل همراه بوده است، را عزت و امنیت و حکومت عنوان فرموده اند (فابذلهم العز مکان الذل و الامن مکان الخوف، فصاروا ملوکا حکاما، و ائمه اعلاما، پس برایشان عزت را جایگزین ذلت و امنیت را جایگزین ترس ساخت و آنها را پادشاهی فرمانفرما و پیشوایانی پرچمدار فضایل کرد). در واقع نتیجه ی رضایت الهی از

آنها، آن دو عنصر کلیدی در سعادت دنیایی بشر بوده که به حاکمیت ارزش ها و ارزشمداران انجامیده است. بی تردید عزت و امنیت دو عنصر اساسی حکومت مصلحان در نگاه امام علی (ع) است. احساس امنیت، یکی از مباحث کلیدی در مبحث ماست. نوعی از احساس امنیت که احساسی پوچ و فریب دهنده است، در نظر امام (ع) مذموم است. قلب انسان که با حمله ی لشکر بیم و ترس به حذر و پرهیز مشغول می شود، با گسترده شدن امنیت به غفلت و غرور دچار می شود (حکمت ۱۰۸: ان ناله الخوف شغله الحذر و ان اتسع له الامن استلبته العزه). یا تندرستی، که یکی از دو نعمت مجهول القدر است، او را- به سبب امنیت خاطر- به بازی و سرگرمی دچار می کند (حکمت ۱۵۰: ان صح امن لا هیا). و همین جا مایه ی آسیب پذیری انسان است، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، اصل حذر و حرز- فردی یا اجتماعی- از همین جا مایه می گیرد و عدم توجه به آن ساده لوحی است (خطبه ی ۱۱۶: و امنتم ما حذرتم). برای همی از امام (ع) در غرر الحکم نقل شده است که: ربما اتیت من مامنک (ج ۴، ص ۸۳، چه بسا از جایی که گمان امنیت داری، بر تو حمله آورند). و فلا تغترن بالامن فانک ماخوذ من مامنک (ج ۶، ص (صفحه ۱۵) ۲۹۱، فریفته ی امنیت مشو، زیرا از جایی که گمان امنیت داری غافلگیر می شوی)، و الامن اغترار (ج ۱، ص ۵۰، امنیت فریفتگی را در پی دارد). بر اینها می توان نگاه ویژه ی امام (ع) را به امنیت آمیخته به ترس و امنیت غفلت زا- اصل سیاست امنیت- را افزود که: رب آمن و جل (غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۵، ای بسا صاحب امنیتی که هراسان است)، رب امن انقلب خوفا (ج ۴، ص ۵۹، ای بسا که امنیتی مبدل به ترس و ناامنی شود). نوع دیگری از امنیت، امنیت در تعامل با اخلاقیات مردم است (حکمت ۴۰۱: مقاربه الناس فی اخلاقهم امن من غوائلهم!)، یعنی پرهیز از دشمن تراشی و دشمن سازی (حتی اگر به جای «مقاربه» نسخه ی بدل آن یعنی «مفارقة» درست باشد، باز اساس مطلب همین است: پرهیز از دشمن تراشی، چه با مفارقت و دوری و چه با مقاربت و نزدیکی). شبه امنیت یا امنیت کاذب و پوشالی را امام (ع) در گستره ای وسیع مطرح فرموده اند. یکی از مهم ترین آنها «زمان» است که معنایی خاص در فرهنگ امام (ع) دارد. ایشان در نامه ی ۳۱ می فرمایند: من امن الزمان خانه (کسی که از نیرنگ روزگار ایمن باشد، روزگار به او خیانت خواهد کرد). در ادامه ی همین جمله می فرمایند: اذا تغیر السلطان تغیر الزمان (با دگرگونی سلطان، روزگار دگرگون شود). تحقیق آن است که سلطان در فرهنگ نهج البلاغه در این موارد، به معنی حکومت است (مانند: و سلبونی سلطان ابن امی! نامه ی ۳۶ و حکومت برادرم پیامبر (ص) را از من ستانند) و زمان به معنی دوران و روزگار مرتبط با این حکومت (مانند: فصلح بذلک الزمان، در خطبه ی ۲۲۶ و روزگار به آن امور اصلاح شود). لذا اگر حکومت صالح بود و صلاح بر زمانه مستولی، حسن ظن در امور لازم است و برعکس (حکمت ۱۱۴). یعنی امنیت در روابط اجتماعی با امنیت ناشی از حکومت صالح مرتبط است و ناامنی در آن با ناامنی ناشی از حکومت فاسد. (صفحه ۱۶) تامین امنیت بندگان مظلوم خدا فلسفه ی حکومت اسلامی است. امام (ع) دین مداری، اصلاحات، امنیت و اقامه ی حدود معطل الهی را از دلایل پذیرش حاکمیت بر مردم دانسته اند (خطبه ی ۱۳۱). در یک تقسیم بندی، انواع امنیت از دیدگاه امام (ع) بدین قرار است: الف) امنیت حقیقی و اصیل (خطبه ی ۱۶۰: و رضاه امان، حکمت ۲۵۲: و السلام امانا من الخوف. اسلام در برابر ترس ها امنیت بخش است و نیز در غرر الحکم آمده است: آمن تا من. ایمان بیاور ایمن شو، نیز در خطبه ی ۱۴۷ می خوانیم: فان جار الله آمن و عدوه خائف)، ب) امنیت کاذب و پوشالی یا شبه امنیت (خطبه ی ۱۱۱: امنیت دنیا گرایان، خطبه ی ۱۱۶: امنیت از مایه های حذر، حکمت ۹۰: امنیت از مکر خدا، حکمت ۱۵۰: امنیت تندرست بازیگر). در تقسیم دیگر به امنیت اجتماعی- سیاسی (شامل امنیت فردی، چون ضرورت تامین آزادی بیان افراد- نامه ی ۵۳- و امنیت عمومی و جمعی، مانند ضرورت خوش رفتاری و ایجاد اعتماد و حس امنیت در مردم- نامه ی ۱۸- و نیز ضرورت مبارزه با مفسدان و برقراری امنیت- خطبه ی ۱۹۲ و نامه ی ۲۹- ضرورت سرکوبی دشمنان داخلی و در صورت مخالفت عملی- نامه ی ۴- و لزوم مقابله با فتنه گران- خطبه ی ۱۷۳- و... و برای تحقیق، به خطب ۱۷۲ و ۱۵۸ و ۱۵۱ و ۹۲ و ۴۰ و ۳۲ و ۲ و ۲۱۶، مراجعه شود). امنیت اقتصادی (شامل وظیفه ی دولتمردان در برقراری امنیت جانی و مالی- نامه ی ۶۱- و ممنوعیت دست اندازی به اموال مردم و احترام به اموال



اقلیت‌ها- نامه ی ۵۱- و پرهیز از مصادره ی نا به جای اموال- نامه ی ۴۰ و ۴۱- پرهیز از توسل به زور و تهدید در اخذ مالیات- نامه ی ۲۵- و خودداری از تصرف در اموال مردم، برای وصول مالیات- نامه های ۲۵ و ۵۱- و... امنیت فرهنگی (به خطب ۱۶۷ و ۱۴۱ و ۱۷۶ و نامه ی ۶۹ و کلمات قصار ۳۶۲ و ۴۰۱ مراجعه شود). امنیت قضایی در نامه ی مالک اشتر به خوبی (صفحه ۱۷) تبیین شده است. امنیت مرزی در نامه های ۴۶ و ۵۳ و ۶۱ مورد اهتمام امام (ع) بوده است. امنیت روانی و معنوی نیز در خطب ۲۲۰ و ۱۹۸ و ۱۴۷ و ۱۳۰ و ۱۰۹ و ۱۷ و ۴ و ۲۳۷ مورد توجه ایشان است. امنیت جانی، آن قدر مورد اهتمام مولا (ع) بوده است که با توجه به ضرورت پرهیز از ریختن خون ناحق و اعلام اختصاص نخستین دادرسی در روز قیامت به آن (نامه ی ۵۳) و یاد آوری وظیفه ی دولتمردان در تامین امنیت جانی (نامه ی ۶۲) برای تامین آن، وظیفه ی حکومت را اهمیت دادن به حفظ جان حتی یک مسلمان بی گناه و لو به کشتن یک لشکر یاغی که خون او را عالما و عامدا ریخته باشند می دانند: فوالله لو لم یصیبوا من المسلمین الا رجلا واحدا معتمدین لقتله، بلا جرم جره، لحد لی قتل ذلک الجیش کله، اذ حضروه فلم ینکروا و لم یدفعوا عنه بلسان و لا بید. (خطبه ی ۱۷۲). به خدا سوگند، اگر جز به یک نفر دست نمی یافتند و او را عمدا و بدون گناه می کشتند، کشتار همه ی آنها برای من روا بود). یکی دیگر از انواع امنیت، امنیت عهد و پیمان است (نامه ی ۵۳: و قد جعل الله عهده و ذمته امنافضاه بین العباد برحمته. بی گمان خدا عهد و پیمانی را که با نام او شکل می گیرد به سبب رحمت خویش مایه ی امنیت بندگان قرار داده است) و معلوم است که پیمان شکنی و خیانت در امانت و معاهده در همه فرهنگ ها و تمدن ها و ادیان و مسلک ها و مرام ها مذموم است. در سطور آتی به بخش هایی از این فرمایش اشاره خواهیم کرد. تعبیر قرآن بسیار زیبا و رساست: الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف. در این تعبیر دو زندان بزرگ بشر، یعنی نیاز و هراس، زندانی خود ساخته و خیالی نشان داده شده است. من در آیه ی ابتدائیه است، یعنی با فرض گرسنگی از همان آغاز، دست رزاق منان نیازمندان را بی نیاز ساخته است و از همان آغاز و با فرض هراس، سایه ایمن بخش او، دل را از بیم در امان داشته است و حقیقت زندگی بشر نیز چنین است. اگر انسان ها با چشم باز و بصیرت دل و آگاهانه به نعمات خداوند بنگرند، اسیر مطالع نمی شوند و اگر (صفحه ۱۸) خود را اسیر اوهام ن سازند، به بیم و هراس گرفتار نمی آیند. آیا ترس کودک از تاریکی جز خیال و پندار کودکانه، چیزی دیگری هست؟ تا خرد بشر به بلوغ نرسد، خود را اسیر اوهام خویش ساخته است و راه رهایی، نگاه به نور ایمان و عقل است: الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور (سوره ی بقره: ۲۵۷) و پیامبران نیز چنین اند، همان سان که به موسی (ع) امر شد تا قومش را به سوی نور برد (ابراهیم: ۵) و پیامبر ما (ص) چنین است (سوره ی طلاق: ۱۱) این نور، امنیت آور و خوف زد است. و وعده ی خدا نیز استخلاف مومنان و تمکن دین و تبدل خوف به امنیت و استقرار آن است (سوره ی نور: ۵۵) اما باید دانست که بشر در دوران حیان زمینی خود، تا قیام قائم آل محمد (عج)، اسیر تفرقه و عداوت و جنگ خواهد بود. (۳) این دوران که ما آن را دوران پراکندگی و تفرقه نامیده ایم، مساوی با ناامنی خواهد بود و امنیت، آن گاه به تمام و کمال برقرار می شود که پارسایان، خلیفه ی خدا شوند و دین حاکم گردد. در این صورت، بنا به وعده ی الهی، امنیت جای خوف را می گیرد و بندگان خدا به رضایت حقیقی دست خواهند یافت (سوره ی نور: ۵۵). اثر این امنیت فراگیر، چنان است که طبیعت نیز بر سر مهر باز خواهد آمد و گرگ و میش با هم زندگی خواهند کرد، پرندگان و ماهی ها و... تا درختان و کان ها و همه و همه در پرتو امنیت فراگیر آن زمان، هم از آسیب در امانند و به آسودگی روزگار می گذارند و هم گنج های زمین بر انسان عرضه خواهد شد. بنا به قاعده ی قرآنی: لئن شکرتم لا زیدنکم و لئن کفرتم ان عذابى لشدید (سوره ی ابراهیم: ۱۷) اگر سپاس گزارید افزون کنم و اگر ناسپاسی کنید، بی تردید عذاب من سخت خواهد بود، شدت عذاب ناشی از کفران است و برعکس. استفاده بهینه از نعمت موهوبی و ابتدایی، مایه ی ازدیاد رفاه و امنیت تواند شد. لذا برنامه ریزی برای رشد اعتقادات دینی، (صفحه ۱۹) نوسازی معنوی و فراهم آوردن امکانات گسترده برای تحقق عدالت اجتماعی، یا به فرموده ی رهبر معظم انقلاب: گام چهارم در انقلاب اسلامی، دقیقا منجر به فراوانی روزی (رشد و توسعه اقتصادی) و امنیت فردی و اجتماعی بیش

تر خواهد شد، و خطاست اگر بخواهیم راهی جز ایمان به خدا و شکر نعمت هایش را در مملکت امام زمان (عج) ترویج کنیم. بر عکس، فقر اقتصادی و کاهش امنیت فردی و اجتماعی، ناشی از بی توجهی به نعمت های موجود است و این سخن امیرمومنان (ع) در غرر الحکم چقدر زیباست که: آمن تام (ایمان بیاور تا امنیت یابی). بررسی مفهوم شکر و نعمت و آثار اجتماعی آن مجال دیگری می طلبد. دار الامن مذهب- در اصطلاح ویلیام جیمز- دقیقاً کارکرد دنیوی و اخروی مذهب را نشان می دهد. مذهب با دین، مایه ی امنیت انسان در هر دو بعد دنیا و آخرت، ماده و معنا، جسم و روح و... است. اما باید دانست با آنکه به قول فوستل دوکولانژ، دین، زبان مشترک اخلاقی جامعه برای ثبات و امنیت و عاملی برای انضباط و انسجام بخش است، (۴) ولی رابطه ی دین با امنیت، مطلق و قطعی نیست، بلکه مشروط و نسبی است. چرا که در حال حاضر شبه دین امنیت ستیز کم نیست و پیروان ادیان و روحيات آنها و شرایط و اوضاع در این رابطه تاثیر معتنا به دارند. با این وصف، عنصری به نام دین تاثیر قاطع بر امنیت بشری دارد، چه در وجه مثبت آن و چه در وجه منفی آن، و شاید هم ترازوی برای این امور نتوان یافت. پر واضح است که دین، ساز و کارهایی برای تامین امنیت ارائه کرده است. (۵) امنیت بدون تمهیدات و تضمین های لازم، محقق نمی شود و احکام قرآن و سنت پیامبر (ص) و تعالیم ائمه (ع) همه در جهت ارائه و تحقیق این تمهیدات بوده است. برای مثال در مورد معضل بزرگ حیات بشر، فقر و نابرابری، اسلام با ارائه بیش از ۱۹ ساز و کار، به مبارزه ی نظری و عملی توجه داشته است. انفال در اختیار حاکم است تا جامعه را به سامان رساند. (صفحه ۲۰) انفاق، وقف، زکات و... بخشی دیگر از این طرح است. همزمان، مبارزه با ربا- بلای دامن گیر بشریت متمدن امروز- تطفیف و کم فروشی، تدلیس و غش در معامله و... نیز مد نظر بوده است. لازم می دانم که به آثار عظیم طرح نظام والایی و مبارزه با همه ی اشکال ناامنی که مملکت را آسیب ناپذیر می کند، هم اشاره کنم. همین توجه به سرچشمه ی امنیت در زیارت امام حسین (ع) در عید فطر مشهود است: یا مولای اتیتک خائفا فامنی (مفاتیح). چرا که ولایت تنها راه تامین امنیت است. در آیاتی مانند و لا تتركوا الی الذین ظلموا (سوره ی هود: ۱۱۳، به ستمکاران گرایش نداشته باشید) یا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء (سوره ی ممتحنه: ۱، دشمن و دشمن خودتان را به دوستی نگیرید) به موضوع حصار امنیتی جامعه اشاره شده است و این خود عمق بحث را نشان می دهد. همین گونه است توجه به فتنه به عنوان یک عامل مهم و بزرگ ضد امنیتی که در فضای امروز کشور، در کن آن چندان مشکل نیست. برای نمونه آیه ی لو خرجوا فیکم مازادوکم الا خبالا و لا وضعوا خلالکم یبغونکم الفتنه (سوره ی توبه: ۴۷، اگر در میان شما، به ظاهر برای نبرد، بیرون شوند، شما را جز زیان و گسیختگی نیفزایند و میان شما فتنه گری کنند)، حاوی نکاتی بدیع است و ما در جای دیگر به آن پرداخته ایم. از جمله آنکه تعبیر فیکم نشان می دهد که عوامل فتنه گر، همراه امت اسلام نیستند (و گرنه معکم ذکر می شد)، بلکه «در» جمع آنها خود ار جا زده اند. این تعبیر یعنی آنها خودی نیستند. اینها کارشان چیست؟ تکمیل کار دیگری بیرونی، همان ها که در قرآن می فرماید: یا ایها الذین امنوا لا- تتخذوا بطانه من دونکم لا یالونکم خبالا و دوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر قد بینا لکم الایات ان کنتم تعقلون (سوره ی آل عمران: ۱۱۸، ای گروه مومنان، غیر خودی را یاران نزدیک نگیرید که در زیان و گسیختگی میان شما فرو گذار نکنند، آنچه شما را به رنج و سختی افکنند دوست دارند، به تحقیق کینه از دهان هایشان هویدا است (صفحه ۲۱) و آنچه در سینه هایشان است بزرگ تر و بیش تر از آن مقداری است که بر زبان می آوردند، نشانه ها را برایتان آشکار ساخته ایم اگر خرد می ورزیدند). این دیگری درونی کارش آشفته و گسیخته ساختن امور است. ایجاد نقص و فساد، کمی و تباهی. زیان جسمی، فکری و روحی به جامعه، آن را مهبای هر بلایی می کند. شیخون با همدستی این شریکان دزد و همراهان قافله میسر می شود. «خبال» فساد ساده نیست، فسادی رو به گسترش و آسیب رسان به همه ی ابعاد مادی و معنوی است. این قانقاریای اجتماعی و ضد امنیتی با چه وسیله ای گسترش می یابد؟ که با تبلیغات، فتنه انگیزی، سخن چینی و دو به هم زنی، یعنی: لا- وضعوا خلالکم، همین افراد خائن و منافع ایمانی و امت اسلام، می توانند زمینه ی نزدیکی «دیگری بیرونی» را فراهم کنند، به گونه ای که آنها بطانه شوند. بطانه یعنی آستر لباس که به

پوست بدن نزدیک تر از ظاهره (رویه ی لباس) است و کنایه از محرم اسرار شدن! دشمن، دوست گردد! دشمنی که در ایجاد فساد کم نخواهد گذاشت (لا یالونکم، یعنی فروگذار نخواهند کرد، کوتاهی نمی کنند و مانند اینها) و مایل است جامعه ی اسلامی را غرق مشکلات کند (و دواماعنتم)، لذا با آنکه قرآن در جاهای مختلف، نقش امدادهای الهی را در تامین امنیت خارجی مسلمانان یادآوری کرده است (از جمله در سوره ی مائده: ۱۱ و در سوره ی احزاب: ۹). اما باید دانست که امداد الهی شامل همه می شود، کلا نمدهولاء و هولاء (سوره ی اسراء، ۲۰) یعنی سنتی الهی است. لذا در جهت افزایش امنیت خارجی، باید از تمهیدات لازم بهره گرفت تا امداد الهی آن را بیفزاید. تعبیر من دونکم به جای غیر کم نیز توجه به این معنا را خاطر نشان می کند. لذا برای حفظ نعمت امنیت خارجی، باید از تمهیدات لازم بهره گرفت تا امداد الهی آن را بیفزاید. تعبیر من دونکم به جای غیر کم نیز توجه به این معنا را خاطر نشان می کند. لذا برای حفظ نعمت امنیت خارجی و تقویت مبانی امنیت داخلی، باید به تحکیم مبانی وحدت درونی امت توجه کرد. این نعمت بزرگ، خود ناشی از تالیف قلوب به اراده ی خداست (سوره ی آل عمران: ۱۰۲) که امت اسلام را امتی واحده (سوره ی انبیاء: ۹۲، سوره ی مومن: ۵۲) معرفی کرده و محور آن ولایت است. علاوه بر آنچه در مورد امنیت ذکر شد، از امام (ع) نقل شده است که: العدل جنه (صفحه ۲۲) الدول (دادگری، سپر امنیتی حکومت هاست.)، بالعدل تضاعف البرکات (به سبب دادگری برکت ها دو چندان می شود.)، عدل السلطان خیر من خصب الزمان (داد پیشگی حاکم/ حکومت، از فراوانی دوران بهتر است.)، ماعمرت البلدان بمثل العدل (شهرها به چیزی چون عدالت آباد نشده است.)، فی العدل اقتداء بسنه الله و ثبات الدول (در عدالت، هم پیروی از قانون خدا و هم ماندگاری حکومت نهفته است.)، العدل حیاه (میزان الحکمه، روایات شماره ی ۱۱۹۷۹ و ۱۱۹۷۸ و ۱۱۹۷۳ و ۱۱۹۷۱ و ۱۱۹۶۷ و ۱۱۹۸۴)، افضل الملوک من اعطی ثلاث خصال: الرفاه و الجود و العدل/ فوجه الحلال من الولایه و لایه الوالی العدل بلا زیاده فیما انزل الله به و لا نقصان منه (تحف العقول، ص ص ۳۳۲ و ۳۴۷، برترین فرمانروایان آنهایند که سه ویژگی دارند: مهربانی و دلسوزی برای مردم، بخشش و دادگری/ شکل حلال ولایت و حکومت، ولایت فرمانروایان داد پیشه است که در مورد آنچه خدا نازل فرموده است بیش و کم نخواهد داشت). اگر اینها را با هم جمع کنیم، نسبت عدالت، امنیت و رفاه و سایر ارزش های حیات معقول انسانی را در خواهیم یافت و در این مختصر مجال تفصیل نیست. نقش نیروهای مسلح در تامین امنیت همه جانبه که آشکار است و امیرمومنان (ع) هم می فرمایند: فالجنود، باذن الله، حصون الرعیه و زین الولاه و عز الدین، و سبل الامن (نهج البلاغه، نامه ی ۵۳ سپاهیان، دژهای استوار مردم و زینت بخش قدرت فرمانروایان و مایه های عزت دین و راه های تامین امنیت هستند). توجه به عامل مرزبندی در تامین امنیت، بسیار لازم و حیاتی است. مرزبندی و رعایت این مرزها در ارتباطات بین المللی نه تنها مایه ی حفظ قدرت و اقتدار ماست، بلکه در تامین، حفظ و بسط امنیت ما نقش قاطع دارد. قرآن ضمن تاکید بر لزوم این مرزبندی و عدم تولی به غیر مسلمین، صراحتاً دستور می دهد غیر مسلمان را نباید بطانه گرفت (سوره ی آل عمران: ۱۱۸) می فرماید: ها انتم اولاء تحبونهم و لا یحبونکم (سوره ی آل عمران: ۱۱۹، اینک و با این وصف، شما آنها را دوست دارید و آنها دوستتان (صفحه ۲۳) ندارند). تاریخ گواه است که مسلمین از خوش خیالی و قلب پاک خود و صداقتی کهن با غیر خودی (درونی و بیرونی) داشته اند، ضربه های زیادی خورده اند. فلسطین، بزرگ ترین سند ماست. دشمن را باید دشمن دانست که من نام لم ینم عنه (نهج البلاغه، نامه ی ۶۲، هر کس بخوابد، دشمن او نخواهد خوابید). امام عزیز ما چقدر زیبا فرمود: امروز، شیطان بزرگ امریکاست. شیطان، عدو خداست و ما چون ابراهیم (ع) باید از دشمن خدا برائت جویم (سوره ی توبه: ۱۱۴). آیا شیطان را با آنکه دشمن است، می توان دوست گرفت؟ (سوره ی کهف: ۵). تنها راه این است، ان الشیطن لکم عدو فاتخذوه عدوا (سوره ی فاطر: ۶، شیطان دشمن شماست، پس شما هم او را به دشمنی گیرید). در برابر دشمن باید حرز گرفت و از دشمن برحذر بود (سوره ی منافقون: ۴) و آنچه در توان است باید آماده کرد تا او را ترساند (سوره ی انفال: ۶۰). قرآن حتی صریح و آشکار به ما مصداق را نشان داده است (سوره ی مائده: ۸۲) تا ما راه را گم نکنیم. به گمان ما همین دید قرآنی امام، راه نجات و راه عزت،



حیات و بقای ماست. سر آسب ناپذیری ملت به شرط پشتیبانی از ولایت فقیه نیز در همین نکته نهفته است. ولایت، پیوند است و پیوند با خدا مستلزم گسستن از شیطان است و این ساری در همه ی ابعاد و وجوه حیات فردی و جمعی است و راه تامین امنیت، جز ولایت الهی نیست. چرا که در این عالم باید تولی به ولایتی داشت و اگر این ولایت، الهی نباشد ولایت طاغوت است و عاقبت آن خروج از نور به سوی ظلمات (سوره ی بقره: ۲۵۷) و ناامنی معنوی و مادی. برای تحقق امنیت اجرا و تعمیم عدالت و قانون، مبارزه با عوامل تجاوزگر و اخلاص گران در امنیت و وجود نهادهای قوی برای مبارزه با آنها، ضمانت اجرای نیرومند معنوی (ایمان و اخلاق)، ضمانت اجرای قانونی برای کیفر دادن متجاوزان به حقوق مردم و سرانجام آشنایی عامه ی مردم با حقوق افراد و آگاهی لازم در جهت احترام به حقوق دیگران را نام برده اند. (۶). (صفحه ۲۴) در مورد عدالت که مایه ی پایداری و قوام و اصالت و تضمین امنیت است، بخشی از روایات از میزان الحکمه نقل شد، امام (ع) خطاب به استنادار جدید فارس می نویسد: استعمل العدل و احذر العسف و الحیف، فان العسف يعود بالجلاء، والحیف یدعو الی السیف! (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶، عدالت پیشه کن و از فشار و بیداد پرهیز، زیرا فشار منجر به فرار و آوارگی می شود و بیداد به آختن شمشیر می انجامد)، حتی در مورد مردم بصره که آنجا را مهبط ابلیس و مغرس الفتن می نامد، می فرماید: فحادث اهلها بالاحسان الیهم و احلل عقده الخوف عن قلوبهم! (نامه ی ۱۸، با ساکنانش به نیکی رفتار کن و گرهخ ترس را از دلهایشان بگشا) و از آن بالاتر: ان افضل قره عین الولاة استقامه العدل فی البلاد و ظهوره موده الرعیه (روشنی چشم فرمانروایان در برقراری و به پا داشتن عدالت در سرزمین خویش و کسب اعتماد و محبت مردم است. نامه ی مالک). در این نامه امام (ع) هم به نقش عدالت در تامین امنیت نظر دارند، آنچنان که افلاطون و ارسطو هم می اندیشیده اند و هم اعتماد سازی را که روسو به آن معتقد بود، مدنظر داشته اند، حتی نظر منتسکیو را در باب صلح هم در این نامه می توان یافت که فان فی الصلح دعه لجنودک و راحه من همومک و امننا لبلادک (آسایش سپاهیان و آرامش فکری تو و امنیت سرزمین تحت حکمیت تو در صلح نهفته است) و البته که در عین امنیت حاکم و حکومت و امنیت مردم، باید بر حذر بود و آمادگی نظامی و دفاعی را در برابر دشمن فراموش نکرد (اصل دشمن شناسی و دشمن پایی را رهبر فرزانه ی انقلاب به پیروی از مولا- و جد خویش به ما یاد آور شده اند) و چون و العدل سائس عام (حکمت ۴۳۷، عدل، تدبیر گری عمومی است) پس نباید حفاظت از آن و امنیت مردم و حکومت را فراموش کرد و در مورد مبارزه با اخلاص گران می فرمایند: و لعمری ما علی من قتال من خالف الحق و خابط الغی، من ادهان و لا- ایهان (خطبه ی ۲۴، به جان خودم سوگند، در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی و فساد غوطه ورنند، مدارا و سستی نمی کنم) و نیز فرموده اند: فان شغب شاغب استعتب، فان ابی قوتل (خطبه ی ۱۷۳، اگر آشوبگری به (صفحه ۲۵) آشوب و فتنه گری دست یا زد، به حق دعوت و از او گردانده شود و اگر سرباز زد، با او برخورد و پیکار شود). اگر به نقش آگاهی مردم در تعمیم و استقرار امنیت و لزوم آگاه سازی آنها و اهمیت مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی آگاه باشیم (نگارنده آن را در مقاله ای به همین نام در فصلنامه ی دانش انتظامی، پیش شماره ی دوم، بررسی کرده است) اهمیت سخن امام (ع) را می فهمیم که: فاما حقکم علی فالنصیحه لکم. و توفیر فیئکم علیکم و تعلیمکم کیلا تجهلوا و تادیبکم کیما تعلموا (خطبه ی ۳۴، حق شما بر من آنکه از خیرخواهی برایتان دریغ نورزم و بهره ی مالی شما را افزون کنم و شما را آموزش دهم تا نادان و بی سواد نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی بدانید.) و شاید بسیاری از خطبه های نهج البلاغه، از جمله، ناشی از این امر بوده باشد. به نقش ولایت اشاره کردیم. در اینجا لازم است کمی به رابطه ی امنیت با عدالت و ولایت (مدیریت) و قانون نیز اشاره کنیم. تدبیر در احادیث آخرالزمان و دوران حکومت امام عصر (عج) نشان می دهد که بر اثر تصحیح رابطه ی انسان ها با ولایت، انسان، جامعه و طبیعت به صلاح کشیده می شوند و امام علی (ع) عزیز با افتخار می فرماید که: لو قد قام قائمنا لا نرلت السماء قطرها و لا خرجت الارض نباتها و ذهب الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السبع و البهائم حتی تمشی المراه بین العراق و الشام... لا یهیجها سبع و لا تخافه (تحف العقول، ص ۱۱۰، اگر قائم ما قیام کند، به واسطه ی ولایت و عدالت او، آسمان

آنچنان که باید باران می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و بین دد و دام آشتی برقرار شود، بگونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده راه خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید... نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند. یعنی امنیتی فراگیرتر از آنچه امروز تصور می شود. حقیقتاً تصویر زیبایی است و هیجانی که از تفکر در این احوال، عارض روح مشتاق منتظر نگارنده می شود، (صفحه ۲۶) وصف ناپذیر است: اللهم ارنی الطلعه الرشیده و الغره الحمیده و باید گفت: اللهم انا نرغب الیک فی دوله کریمه. دولتی که طبیعت هم بدان کرامت می باید، دولتی خواستنی و آرزو کردنی است و دولتی است که فطرت همه ی ما طالب او است. در روایتی وارد شده است که خداوند، قوم غیر صالحی را به امام صالحشان ثواب عنایت می فرماید و قوم صالحی را به امام ناصالحشان عقاب می کند. (۷) بر این اساس، نگارنده به نظریه ی اصالت امامت در تحلیل های جامعه شناسانه معتقد است. قدر ولایت و امامت در این سرزمین هنوز مجهول می باشد و شاید غریب تر و مظلوم تر از آن، موضوعی را نتوان مثال زد. و عجب و عجیب آنکه، خودی ها در این ظلم، گوی سبقت از دیگران ر بوده اند و جبل المتین و عروه الوثقی انقلاب را مستمسک بر خوردهای ناروای جناحی ساخته اند... شرح این هجران و این سوز جگر این زمان بگذار تا وقت دگر امیرالمومنین (ع) پس از یاد آوری حقوق متقابل والی و رعیت، اقامه ی این حقوق را مایه ی برقراری عدالت و اجرای سنن و نتیجه ی آن را صلاح زمان و دوران، امید به بقای دولت و ناامیدی دشمنان از تحقق آرزوها می دانند: فصلح بذلک الزمان و طمع فی بقاء الدوله، ویست مطامع الاعداء (نهج البلاغه، خطبه ی ۲۱۶). آیا این دقیقاً معادل تعبیر تامین امنیت داخلی و خارجی نیست؟ امنیتی که با ثبات و مایه ی توسعه است، توسعه و امنیتی که به صلاح زمان منتهی می شود، یعنی کسب موفقیت دولت در تحقق آمال الهی، دینی و انسانی. از اینجا معلوم می شود که چرا امنیت، هم هدف است و هم وسیله، هم مطلوب است و هم طریق رسیدن به اهداف. امام علی (ع) جهاد خویش را نه برای قدرت و ثروت فزون تر که برای برگرداندن نشانه های دین و اصلاح سرزمینهای خدا می داند تا: فیامن المظلومون من عبادک (خطبه ی ۱۳۱) و حدود تعطیل شده به اجرا درآید. لذا عزت و امنیت در نگاه امام علی (ع) پاداش خداوند به انسان ها و جوامع صالح است، (صفحه ۲۷) چرا که اسلام، مایه ی امنیت است (فجعلنا امننا لمن علقه- خطبه ی، ۱۰۶). برعکس، در ولایت طاغوت، زمین به فساد کشیده می شود و انسان و طبیعت در خطر می افتند: و اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث والنسل و الله لا یحب الفساد (سوره ی بقره: ۲۰۵) و چون به ولایت و حکومت رسد به تباهی در زمین کوشد و کشاورزی و دامداری را که مایه ی قوام زندگی انسانی است به نابودی کشاند و خدا تباهی را دوست ندارد) و چه فسادی بالاتر از فساد زمان؟ امری که همه ی حیثیت یک ملت را بر باد می دهد. ولایت عدل، ولایت حق و تزکیه، هدایت، تعقل، اخلاص، بصیرت، خوش فرجامی و ولایت نور است و سرانجام آن، امنیت در دنیا و آخرت می باشد که مومنان احق به امن (سوره ی انعام: ۸۱) در دنیا و آخرت هستند. چرا که اسلام امننا لمن علقه، و مایه ی دخول همراه با امنیت به بهشت است (سوره ی فجر: ۴۶) که دار امنیت یا دارالامن حقیقی است. (سوره ی سبأ: ۳۷) در زیارت مخصوص امیرالمومنین (ع) در عید سعید مبعث می خوانیم: و نشر ثوب الامن فی بلادک و بسط العدل فی بریتک (مفاتیح، پوشش امنیت را در سرزمین هایت پخش کرد و عدالت را در میان آفریدگانت گستراند) و نظیر همین معنا را امام (ع) فرموده اند: و البستکم العافیه من عدلی (خطبه ی ۸۷) و از عدالت پیشگی خویش، لباس عافیت بر شما پوشاندم) و واضح است که عافیت، تظاهر امنیت روانی و جسمی و فردی و اجتماعی است ربط آن با عدالت غیر قابل تردید. قاعده ی کلی، نوله ما تولی (سوره ی نساء: ۱۱۵)، آنچه را به ولایت برگیرد، ولی او کنیم) است، لذا هر که خدا و رسولش و مومنان را به ولایت برگیرد، از حزب الله و غالب است (سوره ی مائده: ۵۶) و هر که مشرک شود، تحت ولایت و سلطنت شیطان است (سوره ی نحل: ۱۰۰) که ولی نا مومنان است (سوره ی اعراف: ۲۷) و اینها همه حزب شیطان، که همه زیان کارند (سوره ی مجادله: ۱۹). قرآن راه را به ما نشان داده است. خدا، ولی مومنان است (سوره ی آل عمران: ۶۸)، آن گاه می فرماید: هر که با رسول (ص) (و یا رهبر و (صفحه ۲۸) جاننشینان بر حق رسول) مخالفت کند و راهی جز راه مومنان- آری، سبیل

المومنین- را در پیش گیرد، به ولایت شیطان می رسد و عاقبت او دوزخ است (سوره ی نساء: ۱۱۵). یعنی ولایت، امری ساده و زبانی نیست. عمل و التزام عملی فرد به ولایت او را نجات می دهد. این تولی، همان پیروی از سبیل المومنین نیز هست، لذا هر گونه مخالفت (نه هر مخالفت سطحی و جزئی) آسیب رساننده به پیوند ولی و مومنان و مایه ی خروج از ولایت الله به ولایت شیطان است و عاقبت ناگوار در پی دارد. اینجاست که نقش ولایت فقیه به عنوان لسان المیزان، نظام امت، هادی ملت و مبین شریعت بارز می شود. او است که سنگینی و سبکی کفه ی حق، عدالت، عزت، کرامت، حریت، حقیقت، مصلحت و سعادت را نشان می دهد. رشته ی پیوند امت و راهنما او است و از زبان او حکم خدا جاری می شود و به او دین قیام می کند و پایدار می ماند. اگر چنین شد، امنیت ره آورد ولایت و مبنای سعادت می باشد که هدف حکومت اسلامی است تا بندگان مظلوم خدا امنیت یابند و در پناه این امنیت، به اهداف عالی خود دست یابند و فردای ایمن خویش را رقم زنند و به دار الامن حقیقی نایل شوند. \*\*\*\*\*(۱) تفسیر المیزان، ذیل تفسیر آیه ی ۲۳ از سوره ی حشر. (۲) مهدی منتظر (عج)، محمد جواد خراسانی، قم، بنیاد پژوهشهای علمی و فرهنگی نورالاصفیاء، ۱۳۷۸، چ ۸، «بخش احکامی که سنت کند»، ص ۲۶۲. (۳) نگارنده تفصیل این امر را در مقاله ی «دوران های زندگی انسان در قرآن» در کیهان اندیشه، ش ۳۴، آورده است. (۴) مجموعه ی مقالات...، ج ۱، ص ۳۸۰. (۵) مجموعه ی مقالات...، ج ۱ صص ۴۱۷-۴۰۱. (۶) مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی، دفتر سیاسی ساعس ناجا، ۱۳۷۹، ص ۸۲. (۷) مهدی منتظر (عج)، به نقل از کتاب الغیبه نعمانی.

سلام المؤمنین  
نورفاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال  
www.noorfatemah.org